نگاه

معمای بابک زنجانی

غلامعلی رباخی
وکیل پایه یک دادگستری

حدود یکسال پیش با نمایش فیلمی که به صورت غیرقانونی در سازمان تامین اجتماعی ضبط و توسط آقای احمدی‌نژاد در مجلس شورای اسلامی پخش شد، ابتدا با حروف ب، ز و بعدها نام کامل در سطح رسانه‌ها بر سر زبان‌ها افتاد و در موردش به‌طور خاص‌تر این اخبار و اطلاعات انتشار یافت. یک ناجر موفق بخش خصوصی که در جریان دوزدن تجربه‌ها به کمک دولت قبلی آمده و اگر حرف دست‌نشانده باشد، در نقل و انتقال ۷میلیاردیورو در ترکیه توسط رضا ضراب نقش داشته است.

بی‌بی‌سی برای اولین بار از او در تاجیکستان پیدا کرد و مصاحباتی ترتیب داد. ردیف اتوبیس‌ها نشان می‌دهد در کار راه‌اندازی یک شرکت حمل‌ونقل بوده است همین‌طور عکس و فیلم‌های هواپما و یاسین‌جمهور تاجیکستان فیلم دیگری او را در کنار پرسنل یک خط هواپیمایی داخلی نشان می‌دهد.

یکسری عکس و گاه و اهمراه دوستش در یک هواپیمای خصوصی نشان می‌دهد. ظاهرا این همان شخصی است که دادستان سابق تهران می‌گوید پوشه آشنایی با بابک زنجانی و عقد قرارداد فروش دمها شرکت بوده است.

گفته شده قرار بوده آقای بابک زنجانی چندین شرکت زیرمجموعه تامین‌اجتماعی را با واردکردن پول از خارج بخرد ولی برای تضمین عقد فوجه یک به مبلغ ۱۷هزارمیلیاردتومان از طرف فروشنده (تامین‌اجتماعی) سه خریدار (بابک زنجانی) داده شده است؛ آقای مرتضوی رییس سابق تامین‌اجتماعی می‌گوید این چک‌ها تضمینی بوده و متعلق به بابک زنجانی نیست و باید به تامین‌اجتماعی مسترد شود. به گفته آقای رنگبه وزیر تجارت قبل در بابت فروش نفت دومیلیارد و ۸۰۰میلیون‌دلار به شرکت نفت بدهکار است. آقای زنجانی با تبدیل دلار به یورو تلویحا این بدهی را پذیرفته ولی گفته است نمی‌تواند پول نفت را وارد کند. اخیرا حاکی است که زنجانی قصد داشته همین چک‌های تضمینی را به جای ۱۷میلیارددلار بدهی به شرکت نفت دهد که ظاهرا با افشای موضوع منتفی شده است.

زنجانی مکرر از دهها شرکت و واحد تولیدی یاد می‌کند ولی هویت این واحدها نامعلوم است. اخیرا گفته بود ۱۴هزارنفر پرسنل و کارگر در شرکت‌هایش مشغول به کار هستند ولی خبرهای بعدا بر بازداشت این ادعا را تایید نمی‌کند و گفته می‌شود در داخل و خارج بیش از چند صدنفر شاغل ندارد.

ادعاهایی که بدل پول نفت را از طریق بانک‌مرکزی تاجیکستان به بانک‌مرکزی واریز کرده بعدا معلوم می‌شود مدرک واریز پول جعلی است حتی کمیسیون اصل ۹۰ هم قانع شده بود که پول واریز شده ولی شرکت نفت و بانک‌مرکزی منکر دریافت پول شده‌اند در یک پیان عجیب که به یکی از ارکان کمیسیون اصل ۹۰ رسیده است داده شده. گفته شده که بانک‌مرکزی ایران در این روند مانع‌تراشی کرده است.

قوطه‌فیه‌یه می‌گوید چند ماه زنجانی را تحت نظر داشته و علت تاخیر در بازداشت تقاضای برخی مسوولان بوده است.

واقعیت چیست؟ اگر واقعا در راستای دوزدن تجربه‌ها مدرکار دولت سابق بوده، چرا مسوولان وقت خصوصا وزیر نفت سابق دم فروبسته و مطلبی نمی‌گویند مخصوصا که حالا و در چنگ قوطه‌فیه گرفتار است چرا جرات‌مندگی می‌کنند و رویه برهنر در پیش می‌گیرند خصوصا اینکه گفته می‌شود و تیب ایدعال نفتی شده بود و علی سال‌های ۹۰ و ۹۱ تا ۹۴ است که دالی فروش نفت به ثروت هنگفت رسیده. گفته می‌شود او تنوکه موج یخ زده و عقبمان هنوز نامکشوف مانده و اظهارات آقای نرکان مشاور علی رییس‌جمهور بر ابهامات می‌افزاید. همزمان عکس‌هایی از او با مقامات درحاول نظیر آقای علی‌مقدمی و رحاتی در سطوح بسیار منتشر و تشدیدا تلاش می‌شود او را ملول دولت‌های سازندگی و اصلاحات جلوه دهند. در حالی که وکیستگی شدیدش به مسوولان دولت قبلی در حد چند وارتخانه قابل کتمان نیست.

آیا او یک مرد لایق دارای واحدهای مولد اقتصادی است یا به اصطلاح رخ و چیهه و چاکرپز مقدم یک جریان مافیایی است که به بنایت از افراد اصلی زیر ضرب قرار گرفته؟

در پرونده معروف فساد بانکی کاملا معلوم شد که متهم ردیف اول ۳۸ شرکت و کارخانه واحد تولیدی در رشته‌های مختلف با ۱۷هزار نفر مشغول به فعالیت داشته است و اگر تخلف بانکی و پرداخت رشوه هم در جریان این فعالیت‌ها روی داده، حداقل این امتیاز را داشته که تمامی واحدها و شرکت‌ها و مابملک متهم در داخل کشور و در دسترس است. برعکس در مورد آقای زنجانی قصد انعقاد اموال و دارایی‌های او خارج از ایران است و اگر کارآفرینی واشتغال‌زایی هم داشته فایده آن نصیب همسایگان نظیر تاجیکستان یا ترکیه شده است.

آیا خرید تیم‌های ورزشی یا اعلام آمادگی برای معالجه دختران مدرسه شیرین‌آباد و تهیه قوطیه و عکس با چهره‌های مطرح و محبوب ورزشی فقط مقرر و پوشش حمایتی بوده یا او واقعا تلاش داشته در حوزه‌های اجتماعی و ورزشی سرمایه‌گذاری کند.

زنجانی در نوشتار قبلی که در روزنامه «قانون» منتشر شد توصیه کردم قبل از شروع روند قضایی، مراجع دیگری نظیر شورای استیضاح بعطور همانند فعالیت‌های او را بررسی کنند و مشخص بود که بازداشت او در دستور قرار گرفته. اگر غیر از این است بر اساس توجیه ۳۸ ماده حقوقی و قضایی خصوصا با اشراف کامل در پرونده فساد بانکی برای بدهکار و طلبکار حتی قوطه‌فیه بهتر می‌دانم که او با ترتیبات اطمینان‌بخش در اختیار قوطه‌فیه باشد تا بتواند برای تنظیم روابط و مناسبات مالی‌اش برای برگرداندن پول‌های متعلق به کشور به نظر تاثیرگذار عمل کند چون ممکن است بازداشت او فرصت طلایی باشد برای انتخاص یا حتی کشورهایی که این پول‌ها را در اختیار دارند و آن را بلاستحقاق تصاحب کنند برای مثال در پرونده قطعی شرکت آلمانی بیش از صدمیلیون‌دلار پول گرفته که مانیس‌آلان وارد کند ولی به علت بازداشت نیز لول گروه آنها را نتوانسته به مانیس‌آلان فرستاده و به پول را پس می‌دهد.

بعضا ضعف سندهای تصمیم‌گیر نهایتا باز سنگین اینگونه پرونده‌ها به عهده قوطه‌فیه گذاشته می‌شود که باید راهکارهای حل مشکل با محوریت رعایت عرضه و صلاح بین‌آلمال توسط نهادهای تخصصی اجرایی تعیین شود و نقش دستگاه قضایی فقط ضمانت اجرای اینگونه تصمیمات باشد زیرا قوطه‌فیه به‌موجب قانون فقط نقش تعقیب کننده کیفری و اعمال مجازات فقط در زمینه حل‌وفصل مالی اینگونه پرونده‌ها با مشکل برخورد می‌کند چون اختیارات اجرایی را در دست ندارد.

روزنه

مفسدان اقتصادی چگونه غول شدند؟

سیدحبالله سیدنیا
استادیار دانشگاه

تصرف غیرقانونی در اموال دولتی، در مرکز هر تعریفی از فساد مالی و اختلاس قرار دارد. نمونه‌های فساد مالی در همه کشورها وجود دارد، اما برای جامعه ما لاقل در موردش بطور خاص این اخبار و اطلاعات انتشار یافت. یک ناجر موفق بخش خصوصی که در جریان دوزدن تجربه‌ها به کمک دولت قبلی آمده و اگر حرف دست‌نشانده باشد، در نقل و انتقال ۷میلیاردیورو در ترکیه توسط رضا ضراب نقش داشته است.

بی‌بی‌سی برای اولین بار او را در تاجیکستان پیدا کرد و مصاحباتی ترتیب داد. ردیف اتوبیس‌ها نشان می‌دهد در کار راه‌اندازی یک شرکت حمل‌ونقل بوده است همین‌طور عکس و فیلم‌های هواپما و رییس‌جمهور تاجیکستان فیلم دیگری او را در کنار پرسنل یک خط هواپیمایی داخلی نشان می‌دهد.

یکسری عکس و گاه و اهمراه دوستش در یک هواپیمای خصوصی نشان می‌دهد. ظاهرا این همان شخصی است که دادستان سابق تهران می‌گوید پوشه آشنایی با بابک زنجانی و عقد قرارداد فروش دمها شرکت بوده است.

گفته شده قرار بوده آقای بابک زنجانی چندین شرکت زیرمجموعه تامین‌اجتماعی را با واردکردن پول از خارج بخرد ولی برای تضمین عقد فوجه یک به مبلغ ۱۷هزارمیلیاردتومان از طرف فروشنده (تامین‌اجتماعی) سه خریدار (بابک زنجانی) داده شده است؛ آقای مرتضوی رییس سابق تامین‌اجتماعی می‌گوید این چک‌ها تضمینی بوده و متعلق به بابک زنجانی نیست و باید به تامین‌اجتماعی مسترد شود. به گفته آقای رنگبه وزیر تجارت قبل در بابت فروش نفت دومیلیارد و ۸۰۰میلیون‌دلار به شرکت نفت بدهکار است. آقای زنجانی با تبدیل دلار به یورو تلویحا این بدهی را پذیرفته ولی گفته است نمی‌تواند پول نفت را وارد کند. اخیرا حاکی است که زنجانی قصد داشته همین چک‌های تضمینی را به جای ۱۷میلیارددلار بدهی به شرکت نفت دهد که ظاهرا با افشای موضوع منتفی شده است.

زنجانی مکرر از دهها شرکت و واحد تولیدی یاد می‌کند ولی هویت این واحدها نامعلوم است. اخیرا گفته بود ۱۴هزارنفر پرسنل و کارگر در شرکت‌هایش مشغول به کار هستند ولی خبرهای بعدا بر بازداشت این ادعا را تایید نمی‌کند و گفته می‌شود در داخل و خارج بیش از چند صدنفر شاغل ندارد.

ادعاهایی که بدل پول نفت را از طریق بانک‌مرکزی تاجیکستان به بانک‌مرکزی واریز کرده بعدا معلوم می‌شود مدرک واریز پول جعلی است حتی کمیسیون اصل ۹۰ هم قانع شده بود که پول واریز شده ولی شرکت نفت و بانک‌مرکزی منکر دریافت پول شده‌اند. در یک پیان عجیب که به یکی از ارکان کمیسیون اصل ۹۰ رسیده است داده شده. گفته شده که بانک‌مرکزی ایران در این روند مانع‌تراشی کرده است.

قوطه‌فیه‌یه می‌گوید چند ماه زنجانی را تحت نظر داشته و علت تاخیر در بازداشت تقاضای برخی مسوولان بوده است.

واقعیت چیست؟ اگر واقعا در راستای دوزدن تجربه‌ها مدرکار دولت سابق بوده، چرا مسوولان وقت خصوصا وزیر نفت سابق دم فروبسته و مطلبی نمی‌گویند مخصوصا که حالا و در چنگ قوطه‌فیه گرفتار است چرا جرات‌مندگی می‌کنند و رویه برهنر در پیش می‌گیرند خصوصا اینکه گفته می‌شود و تیب ایدعال نفتی شده بود و علی سال‌های ۹۰ و ۹۱ تا ۹۴ است که دالی فروش نفت به ثروت هنگفت رسیده. گفته می‌شود او تنوکه موج یخ زده و عقبمان هنوز نامکشوف مانده و اظهارات آقای نرکان مشاور علی رییس‌جمهور بر ابهامات می‌افزاید. همزمان عکس‌هایی از او با مقامات درحاول نظیر آقای علی‌مقدمی و رحاتی در سطوح بسیار منتشر و تشدیدا تلاش می‌شود او را ملول دولت‌های سازندگی و اصلاحات جلوه دهند. در حالی که وکیستگی شدیدش به مسوولان دولت قبلی در حد چند وارتخانه قابل کتمان نیست.

آیا او یک مرد لایق دارای واحدهای مولد اقتصادی است یا به اصطلاح رخ و چیهه و چاکرپز مقدم یک جریان مافیایی است که به بنایت از افراد اصلی زیر ضرب قرار گرفته؟

در پرونده معروف فساد بانکی کاملا معلوم شد که متهم ردیف اول ۳۸ شرکت و کارخانه واحد تولیدی در رشته‌های مختلف با ۱۷هزار نفر مشغول به فعالیت داشته است و اگر تخلف بانکی و پرداخت رشوه هم در جریان این فعالیت‌ها روی داده، حداقل این امتیاز را داشته که تمامی واحدها و شرکت‌ها و مابملک متهم در داخل کشور و در دسترس است. برعکس در مورد آقای زنجانی قصد انعقاد اموال و دارایی‌های او خارج از ایران است و اگر کارآفرینی واشتغال‌زایی هم داشته فایده آن نصیب همسایگان نظیر تاجیکستان یا ترکیه شده است.

آیا خرید تیم‌های ورزشی یا اعلام آمادگی برای معالجه دختران مدرسه شیرین‌آباد و تهیه قوطیه و عکس با چهره‌های مطرح و محبوب ورزشی فقط مقرر و پوشش حمایتی بوده یا او واقعا تلاش داشته در حوزه‌های اجتماعی و ورزشی سرمایه‌گذاری کند.

زنجانی در نوشتار قبلی که در روزنامه «قانون» منتشر شد توصیه کردم قبل از شروع روند قضایی، مراجع دیگری نظیر شورای استیضاح بعطور همانند فعالیت‌های او را بررسی کنند و مشخص بود که بازداشت او در دستور قرار گرفته. اگر غیر از این است بر اساس توجیه ۳۸ ماده حقوقی و قضایی خصوصا با اشراف کامل در پرونده فساد بانکی برای بدهکار و طلبکار حتی قوطه‌فیه بهتر می‌دانم که او با ترتیبات اطمینان‌بخش در اختیار قوطه‌فیه باشد تا بتواند برای تنظیم روابط و مناسبات مالی‌اش برای برگرداندن پول‌های متعلق به کشور به نظر تاثیرگذار عمل کند چون ممکن است بازداشت او فرصت طلایی باشد برای انتخاص یا حتی کشورهایی که این پول‌ها را در اختیار دارند و آن را بلاستحقاق تصاحب کنند برای مثال در پرونده قطعی شرکت آلمانی بیش از صدمیلیون‌دلار پول گرفته که مانیس‌آلان وارد کند ولی به علت بازداشت نیز لول گروه آنها را نتوانسته به مانیس‌آلان فرستاده و به پول را پس می‌دهد.

بعضا ضعف سندهای تصمیم‌گیر نهایتا باز سنگین اینگونه پرونده‌ها به عهده قوطه‌فیه گذاشته می‌شود که باید راهکارهای حل مشکل با محوریت رعایت عرضه و صلاح بین‌آلمال توسط نهادهای تخصصی اجرایی تعیین شود و نقش دستگاه قضایی فقط ضمانت اجرای اینگونه تصمیمات باشد زیرا قوطه‌فیه به‌موجب قانون فقط نقش تعقیب کننده کیفری و اعمال مجازات فقط در زمینه حل‌وفصل مالی اینگونه پرونده‌ها با مشکل برخورد می‌کند چون اختیارات اجرایی را در دست ندارد.

محسن رنانی در گفت‌وگو با «شرق»:

دولت احمدی‌نژاد راه رانت‌خواری را باز کرد

عکس: آرشین رضا بخش

بله، زمان تحریم، بابک زنجانی نیست که می‌آید دنبال شما. این شما هستید که برای حل مشکلتان می‌روید سراغ او، به مشکلتان را حل کنید چرا یک ساختار باید خودش را بگذارد. کشور ما که با نظفه‌های که نیازمند بابک زنجانی‌ها باشد این یک مورش است که آنکار شده. دهها مورد دیگر هم هست که به فضای عمومی نیامده است. من شنیدم که همر یکی از مدیران سابق مبلغ یکمیلیارد به حساب برادرتان‌های می‌ریزد. بعد سوال می‌شود قضیه چیست، پاسخ داده می‌شود که با این پول قرار بود خریدهای تحریمی را انجام دهیم اینها همه شرایط فساد را مهیا می‌کند. پس بابک زنجانی محصول ساختار موجود است. همه آدم‌ها فرصت‌طلبند و دنبال این هستند که منفعت و رانتی به جیب بزنند. خب بعضی‌ها هم صندوق‌دزد و شیرطلبان مهیاتر است. جای سوال است که تولید انبوه آدم‌های فاسد نانسی از چیست؟ این فساد انبوه که از خارج وارد نشده است. بابک زنجانی را اعدام هم کنید چیزی حل نمی‌شود. مگر فاضل خداداد اعدام نشد؟ مگر خاوری، ماه‌فرید خسروی و دمها نام دیگر نبودند؟ باید بپرسید چه بستر حقوقی‌ای است که اینها را تولید می‌کند. وقتی یک کارخانه همه تولیدش را به صورت ضایعات بیرون می‌دهد مشکل از قوطی کنسرو نیست مشکل از ساختار خط تولید است. مشکل از مدیریت است.

■ پدیده‌هایی مانند بابک زنجانی تا چه اندازه می‌توانند به اقتصاد نفتی ما آسیب برنند. این ساختار تا چند بار دیگر ظرفیت تحمل و پذیرش چنین ضربات را دارد و چه اتزات اقتصادی و مالی دارد؟

بابک زنجانی را اعدام هم کنید چیزی حل نمی‌شود. مگر فاضل خداداد اعدام نشد؟ مگر خاوری، ماه‌فرید خسروی و دمها نام دیگر نبودند؟ باید بپرسید چه بستر حقوقی‌ای است که اینها را تولید می‌کند. وقتی یک کارخانه همه تولیدش را به صورت ضایعات بیرون می‌دهد مشکل از قوطی کنسرو نیست مشکل از ساختار خط تولید است

بله، زنجانی نیست که می‌آید دنبال شما. این شما هستید که برای حل مشکلتان می‌روید سراغ او، به مشکلتان را حل کنید چرا یک ساختار باید خودش را بگذارد. کشور ما که با نظفه‌های که نیازمند بابک زنجانی‌ها باشد این یک مورش است که آنکار شده. دهها مورد دیگر هم هست که به فضای عمومی نیامده است. من شنیدم که همر یکی از مدیران سابق مبلغ یکمیلیارد به حساب برادرتان‌های می‌ریزد. بعد سوال می‌شود قضیه چیست، پاسخ داده می‌شود که با این پول قرار بود خریدهای تحریمی را انجام دهیم اینها همه شرایط فساد را مهیا می‌کند. پس بابک زنجانی محصول ساختار موجود است. همه آدم‌ها فرصت‌طلبند و دنبال این هستند که منفعت و رانتی به جیب بزنند. خب بعضی‌ها هم صندوق‌دزد و شیرطلبان مهیاتر است. جای سوال است که تولید انبوه آدم‌های فاسد نانسی از چیست؟ این فساد انبوه که از خارج وارد نشده است. بابک زنجانی را اعدام هم کنید چیزی حل نمی‌شود. مگر فاضل خداداد اعدام نشد؟ مگر خاوری، ماه‌فرید خسروی و دمها نام دیگر نبودند؟ باید بپرسید چه بستر حقوقی‌ای است که اینها را تولید می‌کند. وقتی یک کارخانه همه تولیدش را به صورت ضایعات بیرون می‌دهد مشکل از قوطی کنسرو نیست مشکل از ساختار خط تولید است. مشکل از مدیریت است.

■ پدیده‌هایی مانند بابک زنجانی تا چه اندازه می‌توانند به اقتصاد نفتی ما آسیب برنند. این ساختار تا چند بار دیگر ظرفیت تحمل و پذیرش چنین ضربات را دارد و چه اتزات اقتصادی و مالی دارد؟

بله، ایجاد چنین اتفاقاتی به جریانی که از وجود این افراد منتفع می‌شوند، برمی‌گردد و افرادی چون بابک زنجانی از چنین کانون‌های قدرتی ایجاد می‌شوند. درواقع این کانون‌های قدرت برای تامین منافعشان سعی می‌کنند سیستم را از تعادل منطقی خارج کنند تا روزنه‌ای برای انحراف برگ باز شود. البته باید بگویم این انحرافات تنها اقتصادی نیست و گاهی برای ایجاد انحراف در مسایل عقیدتی و سیاسی در راستای اهدافشان از چنین افرادی استفاده می‌کنند.

■ به‌هرحال ثروت باد آورده زنجانی در یک فرآیند به‌دست آمده است، به‌عنوان یک اقتصاددان که تجربه حضور در مجلس را هم داشته، می‌توانید این فرآیند را تشریح کنید؟

یکی از دلایل اصلی بر بروز و ظهور چنین اتفاقاتی به بحث ضعف نظارت و کنترل دستگاه‌های نظارتی باز می‌گردد یعنی این ضعف ابتدا در قوه‌مجریه و دولت وجود داشته که مسوول بحث تخصیص منابع و بودجه کشور است و مشخص می‌کند که چه هزینه‌ای صورت بگیرد. فرآیند از آن اینکار به قوه‌مقننه بازمی‌گردد که ایجاد ترتیب مجلس را به دولت می‌دهد و قرائن از آن اهرم‌های همچون سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، دیوان محاسبات کل کشور و حتی کمیسیون‌های مجلس وجود دارد که می‌توانند بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی نظارت کنند. دقت داشته باشید که این فضای نظارتی در کنار قوه‌قضاییه است که دست‌شان کاملا باز است، به‌عنوان مثال دیوان عدالت اداری یکی از اهرم‌های نظارتی قوه‌قضاییه است که می‌تواند نظارت جدی بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی داشته باشد. به اعتقاد من بخشی از آسیب‌های اینچنینی که از تخلفات گسترده در تامین‌اجتماعی، منافق آژاد و... امروز مطرح می‌شود، همه نمونه‌هایی از انحرافاتی که دست‌شان کاملا باز است.

■ چرا این نهادها کارایی درستی در بحث نظارت در دولت نداشته‌اند؟

واقعیت این است که کلوهای قدرت نهادهای نظارتی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. چدا از آن بحث گروه‌ها و باندها هستند که تامین منابع مالی برای انجام فعالیت‌ها و پیشبرد اهدافشان برای آنها بسیار حیاراهمیت است. چنان‌که در ایران می‌بینیم در هنگام انتخابات، بحث انحرافات مالی توسط دولت بارها مطرح شده است. مباحثی از قبیل اختلاس و همین‌طور اسنادی که از تخلفات گسترده در تامین‌اجتماعی، منافق آژاد و... امروز مطرح می‌شود، همه نمونه‌هایی از انحرافاتی که دست‌شان کاملا باز است.

■ وجه جرم‌هایی که می‌گویید بخشی از آنها تحت‌تاثیر کانون‌های قدرت هستند، چه اهرم دیگری برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی در کشور وجود دارد؟

بر خلاف این نگاه که گفته می‌شود نقد علت‌العلل مسایل و مشکلات ما در این سال‌ها بوده و بلای جان ما را اشتراه به کتاب آقای مصطفی فاتح؛ اما اتفاقا این منبع مالی محدود این روزها به شدت می‌تواند نقش نجات‌دهنده ما را به‌عنوان مهم‌ترین مانع فروپاشی ایفا کند و باید آن را حفظ کرد و هدرش نداد چرا؟

یکی از افسوس‌های ما این است که در یک تصادف تاریخی نامیمون، کشف نفت همزمان با پیروزی مشروطیت بود. دولت مدرن در ایران همزاد نفت است و برای همین ساختارهایش رانتی و نفتی شکل می‌گیرد. پس از منظر تاریخی نفت بلای ایران بوده است. اما در این لحظه از زمان، شاید نفت به‌عنوان یک دارو بتواند کمک‌ساز باشد که برخی بحران‌ها مثل مسکن و اشتغال را تسکین دهد تا ساختار جامعه به هم نریزد. من نمی‌دانم الان که دیگر درآمد بالای نفت وجود ندارد، بدهی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشوفقشده را چطور می‌خواهیم جبران کنیم. من زمانی این بحث را در کتابم نوشتم که ما درآمدهای نفتی خیلی بالایی داشتیم و اگر مراقبت کرده بودیم (یعنی نصف آن را خرج کرده بودیم) حالا حدود ۵۰۰میلیاردلار ذخیره ارزی داشتیم. اما حالا که آن را نداریم و نقدینگی‌مان هفت‌برابر شده، بدهی‌هامان پنج‌شش برابر شده و درآمد نفت هم دیگر نیست، برای عبور از بحران، باید به فکر سرمایه‌های دیگری باشیم. مهم‌ترین این سرمایه‌ها اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی است که باید به سرعت بازسازی شکنیم.

■ آقای احمدی‌نژاد با شعار مقابله با فساد روی کار آمد و دولو دولت خودش هم همواره از آن سخن گفت اما فساد سه‌هزارمیلیاردی، بابک زنجانی و مواردی دیگر همه اتفاقا در این دولت اتفاق افتاد. بخشنامه‌ها و دستورات زیادی هم تا به حال برای مقابله با فساد از سوی قوای دیگر صادر شده است. نمایندهٔ‌ها خیرا اتمامه دادهاند که باید با بابک زنجانی برخورد شود. بخشنامه‌های هم اخیرا دولت جدید در این خصوص داده است. به نظر می‌رسد با وجود همه اینها که همه چیز در حد همان برخورد با معلول باقی مانده و علت سر جای خودش باقی مانده است؟

هر چه افرادی سرکار باشند که خودشان در وقاه نخست قانون‌گریز باشند قانون‌مدار و دولتی باشد که به راحتی قانون را زیر پا بگذارد به این معنی است که بسترساز رانت‌جویی بقیه در چنین ساختاری گویا دولت فریاد می‌زند که من تمام رانت‌جویی هستم. بیایید از این امتیاز بخواهید

بله، زمان تحریم، بابک زنجانی نیست که می‌آید دنبال شما. این شما هستید که برای حل مشکلتان می‌روید سراغ او، به مشکلتان را حل کنید چرا یک ساختار باید خودش را بگذارد. کشور ما که با نظفه‌های که نیازمند بابک زنجانی‌ها باشد این یک مورش است که آنکار شده. دهها مورد دیگر هم هست که به فضای عمومی نیامده است. من شنیدم که همر یکی از مدیران سابق مبلغ یکمیلیارد به حساب برادرتان‌های می‌ریزد. بعد سوال می‌شود قضیه چیست، پاسخ داده می‌شود که با این پول قرار بود خریدهای تحریمی را انجام دهیم اینها همه شرایط فساد را مهیا می‌کند. پس بابک زنجانی محصول ساختار موجود است. همه آدم‌ها فرصت‌طلبند و دنبال این هستند که منفعت و رانتی به جیب بزنند. خب بعضی‌ها هم صندوق‌دزد و شیرطلبان مهیاتر است. جای سوال است که تولید انبوه آدم‌های فاسد نانسی از چیست؟ این فساد انبوه که از خارج وارد نشده است. بابک زنجانی را اعدام هم کنید چیزی حل نمی‌شود. مگر فاضل خداداد اعدام نشد؟ مگر خاوری، ماه‌فرید خسروی و دمها نام دیگر نبودند؟ باید بپرسید چه بستر حقوقی‌ای است که اینها را تولید می‌کند. وقتی یک کارخانه همه تولیدش را به صورت ضایعات بیرون می‌دهد مشکل از قوطی کنسرو نیست مشکل از ساختار خط تولید است. مشکل از مدیریت است.

■ پدیده‌هایی مانند بابک زنجانی تا چه اندازه می‌توانند به اقتصاد نفتی ما آسیب برنند. این ساختار تا چند بار دیگر ظرفیت تحمل و پذیرش چنین ضربات را دارد و چه اتزات اقتصادی و مالی دارد؟

بله، ایجاد چنین اتفاقاتی به جریانی که از وجود این افراد منتفع می‌شوند، برمی‌گردد و افرادی چون بابک زنجانی از چنین کانون‌های قدرتی ایجاد می‌شوند. درواقع این کانون‌های قدرت برای تامین منافعشان سعی می‌کنند سیستم را از تعادل منطقی خارج کنند تا روزنه‌ای برای انحراف برگ باز شود. البته باید بگویم این انحرافات تنها اقتصادی نیست و گاهی برای ایجاد انحراف در مسایل عقیدتی و سیاسی در راستای اهدافشان از چنین افرادی استفاده می‌کنند.

■ به‌هرحال ثروت باد آورده زنجانی در یک فرآیند به‌دست آمده است، به‌عنوان یک اقتصاددان که تجربه حضور در مجلس را هم داشته، می‌توانید این فرآیند را تشریح کنید؟

یکی از دلایل اصلی بر بروز و ظهور چنین اتفاقاتی به بحث ضعف نظارت و کنترل دستگاه‌های نظارتی باز می‌گردد یعنی این ضعف ابتدا در قوه‌مجریه و دولت وجود داشته که مسوول بحث تخصیص منابع و بودجه کشور است و مشخص می‌کند که چه هزینه‌ای صورت بگیرد. فرآیند از آن اینکار به قوه‌مقننه بازمی‌گردد که ایجاد ترتیب مجلس را به دولت می‌دهد و قرائن از آن اهرم‌های همچون سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، دیوان محاسبات کل کشور و حتی کمیسیون‌های مجلس وجود دارد که می‌توانند بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی نظارت کنند. دقت داشته باشید که این فضای نظارتی در کنار قوه‌قضاییه است که دست‌شان کاملا باز است، به‌عنوان مثال دیوان عدالت اداری یکی از اهرم‌های نظارتی قوه‌قضاییه است که می‌تواند نظارت جدی بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی داشته باشد. به اعتقاد من بخشی از آسیب‌های اینچنینی که از تخلفات گسترده در تامین‌اجتماعی، منافق آژاد و... امروز مطرح می‌شود، همه نمونه‌هایی از انحرافاتی که دست‌شان کاملا باز است.

■ وجه جرم‌هایی که می‌گویید بخشی از آنها تحت‌تاثیر کانون‌های قدرت هستند، چه اهرم دیگری برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی در کشور وجود دارد؟

بنوانند در این مدت محدود از فرصت‌های موجود استفاده کنند می‌توانند بر بحران‌ها غلبه کنند. در غیر این صورت، دیگر امکانی برایش باقی نمی‌ماند به نظر شما آیا دولت توانسته از این فرصت بهره‌برداری لازم را ببرد؟

من معتقدم که مردم تا پایان سال‌جاری به یک ارزیابی می‌رسد. هنوز فعالان اقتصادی نمی‌دانند که دولت می‌خواهد چه کند تا زمانی که اینها روشن نشود اقتصاد ما از حالت عدم اطمینان بیرون نمی‌آید. به گمان من تا حداکثر یکی، دو ماه بعد از عید، جامعه به جمع‌بندی خود می‌رسد. اگر علایم آشکاری به جامعه داده شود که جریان‌های سیاسی می‌خواهند از دولت روحانی هم حمایت کنند تا از بحران‌ها عبور کنند، جامعه و اقتصاد وارد فاز امید و بهبود می‌شود. یعنی علایم روند در اقتصاد آشکار می‌شود اما اگر وضعیت کنونی ادامه یابد، یعنی معلوم نباشد که نسبت دولت و جریان‌های سیاسی چیست و تصمیم کلیت قوا برای پشتیبانی از دولت چیست، جامعه و اقتصاد وارد فاز بعدی می‌شود. یعنی انتظارات تورمی نازمای شکل می‌گیرد و ابهام در افق‌های اقتصادی و در نتیجه فرار سرمایه‌ها و هجوم به بازار طلا، ارز و مسکن شکل می‌گیرد. من گمانم بر این است که برخی از اجزا هنوز نمی‌دانند که دولت روحانی تهدید است یا فرصت. باید اجماعی صورت گیرد و موانع شفاف شود تا جامعه از ابهام بیرون آید.

■ منظور شما از این ابهام چیست؟

فردی بعد از انتخابات از طرف یک سرمایه‌دار ایرانی آمد با من مشورت کند که اگر این فرد بخواهد سرمایه‌اش را ببرد به ایران در چه زمینه‌ای به کار گیرد؟ مدتی گذشت و خبری نشد. من با واسطه تماس گرفتم که چه شد؟ پاسخ شنیدم که این دوست ما زمانی می‌خواست بیاید ایران که انتخابات تمام شده باشد. اما الان در نظام جمهوری اسلامی اگر کسی بخواهد طرح داشته باشد که به راحتی می‌تواند در چنین شرایطی کار کند. بنابراین